

بسم الله الرحمن الرحيم

ویژگی های اخلاقی اجتماعی امام سجاد علیه السلام

- ۱..... ویژگی های اخلاقی اجتماعی امام سجاد علیه السلام
- ۲..... مقدمه
- ۳..... کمک رسانی به فقرا
- ۵..... حلم حضرت
- ۸..... بخشش حضرت
- ۹..... صبر
- ۱۲..... عزت امام
- ۱۴..... خوف امام
- ۱۵..... عبادت امام
- ۱۷..... گریه های امام
- ۱۸..... شجاعت
- ۱۸..... نتیجه:

سیره شناسی و آنچه که اهل بیت علیهم السلام در زندگی خود به کار می گرفتند، سرمشقی نیکو برای الگویی گیری است، حال یا به صورت عملی و یا گفتاری. امام سجاد سلام الله علیه که یادگار کربلا بوده و مسیر امامت و هدایت بشری از عصر عاشورا و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به ایشان سپرده شد، همواره تا زمان شهادت با غم و اندوه عزیزان خود همراه بودند و مصایب کربلا را یاد آوری می کردند و حتی گریه های آن حضرت باعث شده بود تا به حضرت خرده بگیرند که امام علیه السلام مصائب را متذکر می شدند چنان چه بسیاری از محدثین و مورخین در منابع خود چنین بیان کرده اند:

عن جعفر بن محمد قال سئل علي بن الحسين عن كثرة بكائه فقال لا تلوموني فإن يعقوب عليه السلام فقد سبطا من ولده فبكا حتى ابيضت عيناه من الحزن ولم يعلم أنه مات وقد نظرت إلى أربعة عشر رجلا من أهل بيتي يذبحون في غداة واحد فترون حزنهم يذهب من قلبي أبدا.

الأصبهاني، ابونعیم أحمد بن عبد الله (متوفای ۴۳۰هـ)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج ۳، ص ۱۳۸.

ناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵هـ.

از جعفر بن محمد [امام صادق علیه السلام] نقل است که از علی بن الحسین [امام سجاد علیه السلام] از زیادی گریه شان سوال شد. در پاسخ فرمود: مرا ملامت نکنید، یعقوب علیه السلام یکی از فرزندان گم شد، آن قدر گریه کرد تا چشمانش از شدت غم، سفید [نابینا] شد و نمی دانست [فقط به او خبر داده بودند] که فرزندش فوت کرده است، در حالی که من دیدم چهارده نفر از اهل بیتم در یک روز، سرشان بریده شد، [مردم] گمان می کنند که غم آنان به طور کلی از قلب من می رود [که چنین نیست].

بررسی سیره اجتماعی امام سجاد سلام الله علیه و راهبرد مورد استفاده حضرت در رویارویی با بنی امیه و بازماندگان کربلا دارای اهمیت بوده و نقش اجتماعی آن حضرت را به خوبی به اثبات می‌رساند. عمده فعالیت های اجتماعی آن حضرت بعد از جریان کربلا بوده تاثیر گذاری آن حضرت در جامعه ملتهب و پر اضطراب بعد از کربلا که متاثر از نوعی خشم عمومی مردم بوده است، نقشه راهبردی امامت سجاد علیه را تثبیت می‌کند.

در این نوشته به نحو اختصار، برخی از رفتار های اخلاقی اجتماعی امام سجاد علیه السلام مورد بیان قرار گرفته است.

کمک رسانی به فقرا

سید العابدین سلام الله علیه یکی از مصادیق کمک به فقرا بوده و مصداق عملی تاکید دین مبین اسلام مبنی بر کمک و امداد رسانی به بی بضاعتان جامعه بوده اند. آن حضرت با تأسی به سیره اجداد گرامی خود، سرپرستی و رسیدگی به امور خانواده های زیادی در مدینه را بر عهده داشتند که این عمل، در گمنامی کامل بوده و آنان نمی دانستند که نان آور شبانه شان چه کسی بوده است تا اینکه آن حضرت به شهادت رسیدند چنان چه ابن کثیر دمشقی به نقل از ابن اسحاق چنین نقل کرده است:

وقال محمد بن إسحاق كان ناس بالمدينة يعيشون لا يدرون من أين يعيشون ومن يعطيهم فلما مات علي بن الحسين فقدوا ذلك فعرفوا أنه هو الذي كان يأتيهم في الليل بما يأتيهم به ولما مات وجدوا في ظهره وأكتافه أثر حمل الجراب إلى بيوت الأرمال والمساكين في الليل وقيل إنه كان يعول مائة أهل بيت بالمدينة ولا يدرون بذلك حتى مات.

الأصبهاني، ابونعيم أحمد بن عبد الله (متوفى ٤٣٠هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج ٣، ص ١٣٦،
ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤٠٥هـ.

ابن كثير الدمشقي، إسماعيل بن عمر القرشي _ المتوفى ٧٧٤ ق_، البداية والنهاية، ج ٩، ص ١٠٥، ناشر:
مكتبة المعارف - بيروت، بي تا.

محمد بن اسحاق نقل کرده است که مردمي در مدینه بودند که به آنان روزي مي رسيد و نمي دانستند اين روزي از طرف چه کسي است که به آنان داده مي شود، هنگامي که علي بن الحسين [امام سجاد سلام الله عليه] از دنيا رفت، روزيشان را از دست دادند و ديگر به آنان نرسيد، آن موقع بود که فهميدند آن کسي که در شب براي شان روزي مي آورد، آن حضرت بود. هنگامي که ايشان [امام سجاد سلام الله عليه] از دنيا رفت، بر روي پشت [کمر] و کتف هاي ايشان، اثر کيسه هايي راديدند که شب ها به خانه بيوه ها و فقرا مي بردند. گفته شده است که آن حضرت عهده دار یک صد خانه در مدینه بودند و آنان از اين مساله خبر نداشتند تا آن حضرت از دنيا رفت.

ابونعيم اصفهاني نیز از قول ابن عايشه نیز پيرامون صدقه ها و رسيدگي هاي شبانه امام سجاد سلام الله عليه نسبت به فقراي مدینه چنين نقل کرده است:

محمد بن زكريا قال سمعت ابن عائشة يقول قال أبي سمعت أهل المدينة يقولون ما فقدنا صدقة السر حتى مات علي بن الحسين.

الأصبهاني، ابونعيم أحمد بن عبد الله (متوفى ٤٣٠هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج ٣، ص ١٠٦،
ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤٠٥هـ.

محمد بن زکریا می گوید از ابن عایشه شنیدم که گفت: پدرم از اهالی مدینه شنید که می گفتند: ما صدقه پنهانی [در دل شب] را از دست ندادیم مگر زمانی که علی بن الحسین علیهما السلام از دنیا رفت.

حلم حضرت

شکیبائی و بردباری و آرامش نیز یکی دیگر از ویژگی های اخلاقی امام سجاد سلام الله علیه بوده است که نمود اجتماعی آن در جامعه مورد توجه قرار گرفته است. رفتار آن حضرت با دیگران به عنوان الگویی نیکو زبانزد خاص و عام بوده است چنان چه درباره کنیز امام سجاد علیه السلام و آزادی او توسط ایشان چنین آمده است:

سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّزَّاقِ يَقُولُ جَعَلَتْ جَارِيَةٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ تَسْكُبُ الْمَاءَ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَسَقَطَ الْإِثْرِيُّ مِنْ يَدِ الْجَارِيَةِ عَلَى وَجْهِهِ فَشَجَّهُ فَرَفَعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَتْ الْجَارِيَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ فَقَالَ لَهَا قَدْ كَظَمْتُ غَيْظِي قَالَتْ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ قَالَ قَدْ عَفَى اللَّهُ عَنْكَ قَالَتْ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ قَالَ أَذْهَبِي فَأَنْتِ حُرَّةٌ.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين (المتوفى ۳۸۱ ق)، الأمالي، ص ۲۶۸، تحقيق و نشر: قسم

الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

از عبدالرزاق شنیدم که گفت: کنیز علی بن الحسین برای آن حضرت آب می ریخت و ایشان در حال وضو گرفتن بود که آفتابه آب از دستش افتاد و با صورت امام برخورد کرد و سر ایشان زخمی شد. حضرت سر خود را بلند کردند و به کنیز نگاه کردند، کنیز سریع عرض کرد: خداوند متعال می فرماید: «و کسانی که خشم خود را فرو می برند». حضرت به او فرمود: خشم خود را فرو بردم، آن کنیز دوباره ادامه آیه را خواند: «[کسانی که خشم خود را فرو می برند] از مردم نیز می گذرند»، حضرت فرمود: خداوند از تو بگذرد، کنیز ادامه آیه را نیز خواند: «و خداوند احسان کنندگان را دوست می دارد»، حضرت فرمود: برو که تو آزاد شدی.

حلم و بردباري حضرت تا جائي بوده است که برخورد با فردي که به ايشان بي احترامی کرده است را اجازه ندادند و خود آن حضرت با وي مشغول صحبت شدند و او، از اين عمل خود در مقابل صبر امام شرمنده شد:

وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ خَارِجاً مِنَ الْمَسْجِدِ فَلَقِيَهُ رَجُلٌ فَسَبَّهُ فَتَارَتْ إِلَيْهِ الْعَبِيدُ وَالْمَوَالِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَهْلًا عَنِ الرَّجُلِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ مَا سُبَّكَ مِنْ أَمْرِنَا أَكْثَرَ أَمْ لَكَ حَاجَةٌ نُعِينُكَ عَلَيْهَا فَاسْتَحْيَا الرَّجُلُ وَ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ فَأَلْفَى عَلَيْهِ خَمِيضَةً كَانَتْ عَلَيْهِ وَ أَمَرَ لَهُ بِالْفِ دِرْهَمٍ قَالَ فَكَانَ الرَّجُلُ يَقُولُ بَعْدَ ذَلِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ أَوْلَادِ الرَّسُولِ.

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (المتوفى ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة،

ج ٢، ص ٢٩٣ و ٣١٢، ناشر: دار الأضواء- بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

امام سجاد عليه السلام از مسجد خارج شدند که با مردی برخورد کردند، آن مرد به امام فحش داد، غلامان و ارادتمندان آن حضرت به سمت مرد رفتند [تا او را ادب کنند] اما امام سجاد عليه السلام فرمود: از آن مرد دست بکشید و به او مهلت دهید، سپس حضرت رو کردند به آن فرد و فرمودند: چه چیزی باعث شده تا امر [و جایگاه] ما [اهل بیت] نزد تو پوشیده باشد؟ آیا درخواستی داری که ما به تو کمک کنیم؟ آن مرد خجالت کشید، به خودش مراجعه کرد [و فکر کرد]. امام عليه السلام لباس سیاهی که همراهشان بود را به او پوشاندند و دستور دادند تا به او هزار درهم بدهند. آن مرد بعد از این قضیه گفت: شهادت می دهم که تو از فرزندان پیامبران هستی.

برخورد شایسته آن امام با افراد مختلف و حتی کسانی که با بی ادبی با ايشان برخورد می کردند، حاکی از حلم آن امام مظلوم بوده که حتی دشمنان نیز به این مساله معترف بوده اند چنانچه ابوالفرج، از نویسندگان سنی پیرامون برخورد تند فردي با امام عليه السلام را چنین بیان کرده است:

وكان إذا أتاه السائل رحب به وقال مرحبا بمن يحمل زادي إلى الآخرة وكلمة رجل فافتري عليه فقال إن كنا كما قلت فنستغفر الله وإن لم نكن كما قلت فغفر الله لك فقام إليه الرجل فقبل رأسه وقال جعلت فداك ليس كما قلت أنا فاغفر لي قال غفر الله لك فقال الرجل الله أعلم حيث يجعل رسالته.

ابن الجوزي الحنبلي، ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى ٥٩٧ هـ)، صفة الصفوة، ج ٢،

ص ٩٥، تحقيق: محمود فاخوري - د. محمد رواس قلعه جي، ناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الثانية،

١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.

اگر درخواست کننده ای نزد ایشان می آمد، به او خوش آمدید می گفت و می فرمود: ای کسی که توشه مرا به آخرت می بری، خوش آمدم [کنایه از اینکه تو باعث خیر می شوی] آن مرد سخنی گفت و به امام تهمت زد. آن حضرت در پاسخ فرمود: اگر ما این چنین که می گوئیم هستیم، از خدا طلب بخشش می کنیم و و اگر این چنین نیستیم که گفتی، برای تو از خدا طلب آمرزش می کنم. آن مرد [بعد از شنیدن صحبت امام] بلند شد و سر امام را بوسید و عرض کرد: فدایتان شوم، چیزی که گفتم چنین نیست، مرا ببخش، امام فرمود: خداوند تو را ببخشد، آن مرد گفت: خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا [و در بین چه خانواده ای] قرار دهد.

امام با اخلاق خوش و با هیچ گونه تندي و پرخاش با آن فرد برخورد کردند و هیچ موضع تدافعي اتخاذ نکردند و آن فرد شرمنده شد و به خطاي سخن خود پی برد.

اخلاق و رفتار امام به عنوان الگویی نیکو، موجب تعجب همگان بوده است چنان چه در بی ادبی فردی که به امام علیه السلام سخن نا روایی گفت، حضرت پاسخش را ندادند:

وقال رجل لرجل من آل الزبير كلاماً أقذع فيه ، فأعرض الزبيري عنه ، ثم دار كلام ففسب الزبيري علي بن

الحسين فلم يجبه ، فقال له الزبيري : ما يمنعك من جوابي ؟ فقال علي : ما منعك من جواب الرجل.

ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علي (متوفای ۶۰۸هـ)، التذكرة الحمدونية، ج ۲، ص ۱۲۳.

تحقیق: إحسان عباس، بکر عباس، ناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶م.

مردی به فردی از آل زبیر کلامی زشت گفت، آن فرد زبیری پاسخش را نداد، اما آن سخن منجر شد که آن زبیری به امام سجاد علیه السلام فحش بدهد ولی امام پاسخ او را نداد. فرد زبیری به امام عرض کرد: چرا [در مقابل فحشی که به شما دادم] به من جواب ندادی؟ امام علیه السلام فرمود: همان طوری که تو به آن فرد پاسخ ندادی.

امام در واقع با این سخن خود، علاوه بر نشان دادن صبر بی نظیر خود، فرمودند قرار نیست هر بدی را با بدی جواب داد و این مطلب در زندگی روزمره ما نیز مهم است که در بسیاری از مواقع باید بگذریم تا از شروع بسیاری از درگیری ها و فتنه ها جلوگیری شود.

بخشش حضرت

سخاوت و بخشش در وجود تک تک اهل بیت علیهم السلام مساله ای مسلم و قطعی بوده است چرا که آن بزرگواران معدن جود و بخشش هستند چنان چه در زیات جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم السلام عرض می کنیم: «وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ؛ شیوه شما، احسان است و سرشت شما، بزرگواری است» که در واقع کرم و بخشش با روح و جسم آن بزرگواران عجین شده است که امام سجاد علیه السلام نیز در این صفت زیانزد بوده اند که به یک مورد اشاره می شود هر چند بخشش های امام نسبت به فقرا و نیازمندان مدینه به نحو مبسوط در ابتدای این نوشته اشاره شد:

عن شيبعة بن نعامة قال كان علي بن حسين يبخل فلما مات وجدوه يقوت مائة أهل بيت بالمدينة في السر.

البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفای ۲۳۰ هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۲۵.

دار النشر: دار صادر - بيروت، طبق برنامه الجامع الكبير

راوي نقل مي کند که علي بن الحسين [نزد مردم] بخیل شمرده مي شد، هنگامی که از دنیا رفت، دریافتند که خوراک صد خانه در مدینه را مخفیانه تامین می کرده است.

این تفکر مردم به این علت بوده است که امام سجاد سلام الله علیه عمل خیر خود را مخفیانه و به دور از چشم دیگران انجام می دادند اما کسانی که به شخصیت و مقام آن حضرت آشنایی نداشتند، در این اندیشه بودند که امام به هیچ عنوان به دیگران کمک نکرده و بخل می ورزند. نعوذا بالله. این عمل امام یک درس عملی مهمی برای همه ما دارد و آن اینکه برای انجام کار خیر، حرف مردم و دیدن آنان اهمیت ندارد و از طرفی رسیدگی و بخشش های مخفیانه، چون ریا در آن کمتر است، بیشتر مورد رضایت خدا قرار گرفته و از طرفی حفظ آبروی آن فرد محتاج نیز می شود.

صبر

از آنجائی که بین صبر و حلم تفاوت وجود دارد، در این بخشی به مواردی از صبر امام سجاد علیه السلام اشاره می شود.

عتبی پیرامون توصیه امام سجاد علیه السلام درباره صبر چنین نقل کرده است:

قَالَ الْعُتْبِيُّ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ كَانَ مِنْ أَفْضَلِ بَنِي هَاشِمٍ لِإِنَّهُ يَا بُنَيَّ اصْبِرْ عَلَى النَّوَائِبِ وَ لَا تَتَعَرَّضْ لِلْحُقُوقِ وَ لَا تُجِبْ أَخَاكَ إِلَى الْأَمْرِ الَّذِي مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُ.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (متوفای ۵۸۸ ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن

شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۶۵، دار النشر: علامه، الطبعة: الاولى، قم المقدسة، ۱۳۷۹ ق.

علي بن الحسين عليهما السلام که از برترین افراد بني هاشم بود، به فرزندش فرمود: اي پسر، نسبت به سختي ها صبر پيشه کن و نسبت به حقوق ديگران تعرض و دست درازي نکن و درخواست برادرت را بر کاري که ضررش بر تو زياد و منفعتش براي او کم است، قبول نکن.

صبر امام سجاد عليه السلام تا جائي بوده است که صحابه ايشان نیز تعجب کرده اند چنان چه در باره فوت يکي از اهل خانه امام سجاد عليه السلام به ايشان تسليت گفتند و حضرت بي تابی نکردند:

إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعْدٍ سَمِعَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَاعِيَةً فِي بَيْتِهِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ فَتَهَضَّ إِلَى مَنْزِلِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَجْلِسِهِ فَقِيلَ لَهُ أَمِنْ حَدِيثِ كَانَتْ الْوَاعِيَةُ قَالَ نَعَمْ فَعَزَّوهُ وَ تَعَجَّبُوا مِنْ صَبْرِهِ فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَطِيعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا يُجِبُّ وَ نَحْمَدُهُ فِيمَا نَكْرَهُ.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (متوفای ۵۸۸ ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن

شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۶۵، دار النشر: علامه، الطبعة: الاولى، قم المقدسة، ۱۳۷۹ ق.

ابراهيم بن سعد نقل کرده است: امام سجاد عليه السلام، صدای شیون از خانه شنید در حالی که گروهی از اصحاب خدمت ايشان بودند، حضرت از جای خود حرکت کرد و داخل منزل شدند سپس بازگشتند و در جای خود نشستند. به ايشان عرض کردند: اين شیون، بواسطه پيش آمدی بود؟ حضرت فرمود: آری، به ايشان تعزيت و تسليت گفتند و از صبرشان تعجب کردند. امام عليه السلام فرمود: ما خانواده ای هستيم که مطيع خدا هستيم، در مورد چیزهائی که دوست داريم و در باره آنچه دوست نداشته باشيم، او را ستايش مي کنيم [يعني در هر پيش آمدي، شاکريم].

هشام بن اسماعيل که خود از دشمنان امام سجاد سلام الله عليه بوده است، در مقابل صبر امام اعتراف به

برتري آن حضرت کرده است چنان چه سالم چنین نقل کرده است:

عن سالم مولى أبي جعفر قال كان هشام بن إسماعيل يؤذي علي بن حسين وأهل بيته يخطب بذلك على المنبر وينال من علي رحمه الله فلما ولي الوليد بن عبد الملك عزله وأمر به أن يوقف للناس قال فكان يقول لا والله ما كان أحد من الناس أهم إلي من علي بن حسين كنت أقول رجل صالح يسمع قوله فوقف للناس قال فجمع علي بن حسين ولده وحامته ونهاهم عن التعرض قال وغدا علي بن حسين مارا لحاجة فما عرض له قال فناداه هشام بن إسماعيل الله أعلم حيث يجعل رسالته.

البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفى ٢٣٠ هـ)، الطبقات الكبرى، ج ٥، ص ٢٢٠،

دار النشر : دار صادر - بيروت ، طبق برنامه الجامع الكبير

سالم نقل کرده است: هشام بن اسماعیل، علی بن الحسین را اذیت می کرد و روی منبر هنگامی که خطبه می خواند، از علی [بن الحسین] بد گویی می کرد. ولید بن عبد الملک هنگامی که به ولایت [و خلافت] رسید، هشام را عزل کرد و دستور داد تا در مقابل مردم بایستد. سالم می گوید: هشام گفت: به خدا قسم هیچ یک مردم نزد مردم دارای اهمیت نیست مگر علی بن الحسین، من او را مردی شایسته ای می دانم . راوی می گوید: هنگامی که مردم جمع شدند، علی بن الحسین فرزندان و طرفداران خود را از تهاجم به او نهی فرمود. سالم می گوید: فردا [ی همان روز] علی بن الحسین برای انجام درخواستی در حال حرکت بود که هشام ایشان را دید و او چنین گفت: خداوند بهتر می داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد.

در این گزارش نیز امام سجاد علیه السلام بدون هر گونه تعرض و تند خوئی، در مقابل بد گوئی های هشام صبر کرده و خود هشام بعدا شرمنده و به فضل امام علیه السلام اعتراف کرد.

عزت امام

عزت یکی از ویژگی‌های مؤمن بوده و در روایات فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، در باره این صفت اخلاقی، بسیار تاکید داشته اند.

امام سجاد علیه السلام نیز یکی از مصادیق عزت واقعی در این دنیا بوده است چنان چه هشام بن حکم از آن حضرت چنین بیان کرده است:

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِذُلِّ نَفْسِي حُمَرَ النَّعَمِ.

الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (المتوفى ۳۲۹ ق)، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۹، صححه وعلق

علیه علی اکبر الغفاری، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸هـ.

هشام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امام سجاد علیه السلام می فرمود: دوست ندارم که خود را ذلیل و خوار گردانم، گرچه در عوض آن خواری، شتران سرخ مو را به دست آورم.

امام علیه السلام عزت خود را با هیچ چیز حتی شتران سرخ مو که دارای قیمتی زیادی باشند، عوض نکردند.

باید توجه کرد که آن حضرت فرزند کسی است که پدرش خطاب به لشگر عمر بن سعد، پس از گفتگویی که با افرادی همچون شبت، حجار و قیس و... داشتند، فرمودند:

لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ.

الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، (المتوفي ٤١٣ ق)، الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد، ج ٢، ص ٩٨، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، سال چاپ : ١٤١٤هـ..

نه به خدا، نه دست خواری به شما خواهیم داد و نه مانند بندگان فرار خواهیم نمود.

همچنین در سخنی دیگر، امام سجاد علیه السلام نتیجه کرامت نفس و عزت آدمی را بی اعتنایی به دنیا

شمردند:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا.

کسی که کرامت نفس داشته باشد، دنیا نزد او کوچک و خوار می شود.

در جریان بگو مگویی که بین محمد حنفیه و امام سجاد علیه السلام رخ داده بود، وقتی که امام با پیشنهاد

زهري مبني رفتن به نزد وليد بن عبد الملك جهت پايان دادن به اين مساله برونند، امام عليه السلام با بي

اعتنایی به دنیا، پیشنهاد او را رد کردند:

عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: قِيلَ لِلزُّهْرِيِّ مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَيْثُ

كَانَ وَ قَدْ قِيلَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ مِنَ الْمُنَازَعَةِ فِي صَدَقَاتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَوْ

رَكِبْتَ إِلَى الْوَلِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ رَكْبَةً لَكَشَفَ عَنْكَ مِنْ غَرَرِ شَرِّهِ وَ مِيلِهِ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ خُلَّةٌ قَالَ وَ

كَانَ هُوَ بِمَكَّةَ وَ الْوَلِيدُ بِهَا فَقَالَ وَ يُحَاكَ أ فِي حَرَمِ اللَّهِ أَنْسَأَلُ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنِّي أَنْفُ أَنْ أَنْسَأَلَ الدُّنْيَا خَالِقَهَا

فَكَيْفَ أَنْسَأَلُهَا مَخْلُوقًا مِثْلِي.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين (المتوفي ۳۸۱هـ)، علل الشرائع، تحقيق وتقديم: السيد محمد

صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعها - النجف الأشرف، الطبع: ۱۳۸۵ ق - ۱۹۶۶

۴.

به زهري گفته شد: چه کسی در دنیا زاهدترین مردم می‌باشد؟ او گفت: علی بن الحسین علیهما السلام زیرا در وقتی که بین آن حضرت و محمد بن حنفیه راجع به صدقات امیر المؤمنین علی علیه السلام منازعه بود، به ایشان عرض شد اگر نزد ولید بن عبد الملک که بین او و محمد دوستی است و با شما کدورت دارد، بروید، شر او و کدورتش با شما برطرف می‌شود.

راوی می‌گوید: این پیشنهاد را من زمانی به امام علیه السلام دادم که هم حضرت و هم ولید در مکه بودند، امام علیه السلام به من فرمودند: وای بر تو، آیا در حرم خدا از غیر خدا چیزی بخواهم؟ من خوش ندارم که از خالق دنیا، دنیا را بخواهم، چه رسد به آن که آن را از مخلوقی مثل خود بخواهم.

در این گزارش نیز امام علیه السلام، با رد پیشنهاد زهري مبني بر رفتن به نزد ولید، بي اعتنايي به دنیا و عزت نفس خود را به اثبات رساندند.

خوف امام

خدا ترسي و مطيع امر الهي بودن از ویژگی‌هاي خاص امام العابدین، حضرت سجاد علیه السلام بوده است.

عبد الله بن ابي سليمان پيرامون راه رفتن و عبادت امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است:

عن عبد الله بن أبي سليمان قال قال علي بن الحسين إذا مشى لا تجاوز يده فخذة ولا يخطر بيده قال وكان

إذا قام إلى الصلاة أخذته رعدة فقليل له ما لك فقال ما تدرون بين يدي من أقوم ومن أناجي.

البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفاي ۲۳۰ هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۶.

دار النشر: دار صادر - بيروت، طبق برنامه الجامع الكبير.

عبد الله بن ابي سليمان نقل کرده است: علي بن الحسين هنگامي که راه مي رفت، دستانش از مقابل ران پایش عبور نمي کرد [کنايه از راه رفتن آرام] و با دستش [به چيزي و يا کسي] اشاره نمي کرد و هنگامي که براي نماز مي ايستاد، لرزشي ايشان را فرا مي گرفت. به ايشان گفته شد: شما را چه شده؟ شما نمي دانيد که من نزد چه کسي ايستادم و با چه کسي نجوا مي کنم؟!

وضوي امام سجاد سلام الله عليه نیز مصداق روشني از عبادت بي مثال آن حضرت است چنان چه احمد بن حنبل به سند خود در اوصاف آن حضرت نقل کرده است:

كان علي بن حسين عليه السلام اذا توضأ اصفر فيقول له اهله ما هذا الذي يعتادك فيقول اتدرون بين يدي من اريد ان اقوم.

أحمد بن عمرو بن أبي عاصم الشيباني أبو بكر (متوفاي ۲۸۷ هـ)، الزهد، ص ۳۶۷، دار النشر: دار

الريان للتراث، القاهرة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد العلي عبد الحميد حامد، ۱۴۰۸ق.

علي بن الحسين عليهما السلام هنگامي که وضو مي گرفت، رنگش زرد مي شد. خانواده ايشان سوال کردند: اين چه حالت دائمي است که براي شما رخ مي دهد؟ حضرت فرمود: آيا مي دانيد در مقابل چه کسي ايستاده ام؟

عبادت امام

خداپرستي و اطاعت بي چون و چرا از خداوند متعال نیز از ويژگي هاي مهم امام سجاد عليه السلام بوده و لقب «زين العابدين» نیز از اين باب به آن حضرت داده شده است.

طاووس، جریان عبادت امام سجاد علیه السلام نزد خانه خدا را چنین گزارش کرده است:

عن طاووس قال: إني لفي الحجر ذات ليلة إذ دخل علي بن الحسين، فقلت: رجل صالح من أهل بيت الخير، لأستمعن إلى دعائه الليلة، فصلي ثم سجد، فأصغيت بسمعي إليه فسمعته يقول في سجوده: عبديك بفنائك، مسكينك بفنائك، فقيرك بفنائك، سائلك بفنائك قال طاووس: فحفظتهن فما دعوت بهن في كرب إلا فرج عني.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد بن أبي الدنيا (متوفى ۲۸۱هـ)، الفرج بعد الشدة، ج ۱، ص ۷۱، طبق

نرم افزار الجامع الكبير.

طاووس می گوید: من در حجر بودم که دیدم علی بن الحسین وارد شد. گفتم: او فرد شایسته ای است که از اهل خانه ای خیر می باشد. در آن شب به دعای ایشان گوش می دادم که دیدم نماز خواند و به سجده رفت و گوشم را به سمت ایشان تیز کردم که دیدم در سجده می گوید: بنده ی کوچک به در خانه تو آمده، مستمندت به در خانه تو آمده، نیازمند تو به در خانه ات آمده، درخواست کننده ات به در خانه تو آمده است. طاووس نقل کرده است: در هیچ اندوه و گرفتاری، این دعا را نخواندم جز اینکه آن گرفتاری برطرف شد.

زید بن اسلم نیز دعای امام سجاد علیه السلام را چنین بیان کرده است:

عن زید بن أسلم قال كان من دعاء علي بن الحسين اللهم لا تكلني إلى نفسي فأعجز عنها ولا تكلني إلى المخلوقين فيضيعوني.

ابن عساكر الدمشقي الشافعي، علي بن الحسن ابن هبة الله، (المتوفى ۵۷۱هـ)، تاريخ مدينة دمشق

وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأمثال، ج ۴۱، ص ۳۸۲، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة

العمرى، ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵ق.

از جمله دعا های امام سجاد علیه السلام: خدایا مرا به خودم وانگذار که عاجز می شوم و مرا به مخلوقین و انگذار که مرا خوار می کنند.

ابو حمزه ثمالی نیز هدف از صدقه های شبانه امام سجاد علیه السلام را از قول حضرت چنین نقل کرده است:

عن أبي حمزة الثمالي أن علي بن الحسين كان يحمل الخبز بالليل على ظهره يتبع به المساكين في ظلمة الليل ويقول إن الصدقة في سواد الليل تطفيء غضب الرب.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، علی بن الحسن ابن هبة الله، (المتوفى ۵۷۱هـ)، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمائل، ج ۱، ص ۳۸۳، تحقیق: محب الدین ابي سعید عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵ق.

ابو حمزه ثمالی می گوید: علی بن الحسین علیهما السلام شب ها نان را بر پشت خود می برد تا در تاریکی شب، به فقرا بدهد و در این مورد می فرمود: صدقه در تاریکی شب، خشم خداوند را فرو می نشاند.

گریه های امام

گریه های امام سجاد سلام الله علیه که بعد از جریان کربلا بوده است، حکایت از جانسوز بودن آن واقعه دارد: عن جعفر بن محمد قال سئل علي بن الحسين عن كثرة بكائه فقال لا تلوموني فإن يعقوب عليه السلام فقد سبطا من ولده فبكا حتى ابيضت عيناه من الحزن ولم يعلم أنه مات وقد نظرت إلى أربعة عشر رجلا من أهل بيتي يذبحون في غداة واحد فترون حزنهم يذهب من قلبي أبدا.

الأصبهاني، ابونعيم أحمد بن عبد الله (متوفى ۴۳۰هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج ۳، ص ۱۳۸،

ناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵هـ.

از جعفر بن محمد [امام صادق علیه السلام] نقل است که از علی بن الحسین [امام سجاد علیه السلام] از زیادی گریه شان سوال شد. در پاسخ فرمود: مرا ملامت نکنید، یعقوب علیه السلام یکی از فرزندانش گم شد، آن قدر گریه کرد تا چشمانش از شدت غم، سفید [نابینا] شد و نمی دانست [فقط به او خبر داده بودند] که فرزندش فوت کرده است، در حالی که من دیدم چهارده نفر از اهل بیتم در یک روز، سرشان بریده شد، [مردم] گمان می کنند که غم آنان به طور کلی از قلب من می رود [که چنین نیست].

شجاعت

شجاعت نیز یکی از عناصر مهم در وجود اهل بیت علیهم السلام بوده است که امام سجاد سلام الله علیه نیز در این زمینه در زمان خود الگویی بوده اند چنان چه حضرت در مقابل ابن زیاد ایستاده و با پاسخی محکم، علاوه بر اثبات روش اهل بیت علیهم السلام، شجاعت خود را به رخ او کشیدند:

فَقَالَ أَلْبَقْلُ تُهَدِّدُنِي يَا ابْنَ زَيْدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكِرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ.

ای پسر زیاد مرا از مرگ می ترسانی؟ مگر نمی دانی که کشته شدن عادت ما است و شهادت موجب سر بلندی ما می باشد؟

و این چنین امام سجاد سلام الله علیه شجاعت خود را گوشزد و عدم ترسشان از دشمنان را یادآوری کردند.

نتیجه:

رهاورد گزارشات و روایاتی که در منابع شیعه و سنی پیرامون امام سجاد علیه السلام نقل و ذره ای کوچک در مقابل اقیانوس پهناور امامت در ساحل حضرت سجاد سلام الله علیه بیان شد، ویژگی های اخلاقی و رفتاری آن

حضرت در جامعه آن روز علاوه بر تاثیر گذاري، زبانزد بوده است که در زمانه ما نیز مي تواند راهشگاي زندگي امروزه همه افراد، فارغ از هرگونه دين و مذهب باشد.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف